



نقش انسداد مرزی در قاچاق کالا

رویا معصومی، احد قاسمی

مقدمه

از ابتدای خلقت تاکنون، انسان به‌طور فطری در طول حیات خود همواره در تلاش بوده است تا در حد توانایی‌اش، ضرر و زیان را از محدوده‌ی زندگی خویش دور سازد و از ثروت‌ها و منابع موجود، بیش‌ترین بهره را ببرد. خوی سودطلبی افراد و محدود بودن منابع ثروت‌ها در بستر زمان، سبب برخورد منابع و بروز اختلاف‌ها و تنش‌های فردی و گروهی، همچنین وقوع جنگ‌های خونین و ویرانگر شده است که این خود، نیاز به مرزبندی و محدوده‌بندی را بین انسان‌ها الزامی می‌کند.

انسان برای مشخص ساختن محیط پیرامون خود، به گونه‌ای که با گستره‌ی فعالیت همسایگان آن تداخل نداشته باشد، ناچار به تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. نوع گسترش یافته‌ی این مفهوم، خط پیرامونی که گستره‌ی فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ی سیاسی پیدا می‌کند، «مرز» خوانده می‌شود. خطوط مرزی از نشانه‌های تفکیک دولت‌های جدید است که با خط باریک و نازکی دو دولت را از هم جدا می‌کند و قلمرو رسمی اعمال اراده‌ی سیاسی آن‌ها را نشان می‌دهد.

هم‌زمان با گسترش سریع ارتباطات و مبادله‌ی اطلاعات؛ همگام با جهانی شدن نظام اقتصادی بازار آزاد؛ اقتصادی شدن نظام جهانی؛ و با فزونی گرفتن گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی، آرمان‌های کشورگرایی و استقلال خواهی‌های مبتنی بر هویت ملی جداگانه، مستقل و متمایز از دیگران نیز به سرعت گسترش می‌یابد. با توجه به این دگرگونی‌ها آنچه آشکار می‌نماید این حقیقت است که گرچه جهان سیاسی به سوی یک پارچگی اطلاعاتی پیش می‌رود اما یک پارچه شدن ملل جهان در یک نظام سیاسی هرگز واقعیت پیدا نکرده و فقط کارکرد مرزها تغییر خواهد نمود. بنابراین در عصر کنونی نه تنها مرزها از بین نرفته و کمرنگ نشده‌است بلکه نقش مرز هم‌چنان پایدار مانده و بر اهمیت آن نیز افزوده شده است.

تعریف اقتصاد زیرزمینی

برای اقتصاد زیرزمینی نام‌های مختلفی به کار برده شده است. در سه دهه‌ی اخیر به علت توجه زیادی که در سطح جهان به این پدیده و نقش آن در حوزه‌ی اقتصاد شده است، سازمان‌های بین‌المللی و اقتصادی به سمت تعریف این مساله رفته تا آن را دقیق‌تر نشان دهند. یک تعریفی در اقتصاد زیرزمینی مطرح شده که تقریباً مورد توافق سازمان‌های بین‌المللی قرار دارد که منظور از آن، کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی است که به ارزش افزوده منجر می‌گردد. این فعالیت‌ها به لحاظ قانونی مجاز است؛ اما عامل اقتصادی به این دلیل که می‌خواهد از پرداخت عوارض گمرکی، مالیات، پرداخت حقوق تامین اجتماعی و همانند آن‌ها فرار کند، آن را از چشم مقامات دولتی مخفی نگه می‌دارد.

به عنوان مثال، اگر یک عامل اقتصادی، به قاچاق تلویزیون رنگی یا گوشی تلفن همراه بپردازد، از آن جایی که واردات این محصولات به کشور ممنوع نیست، اما برای آن تعرفه‌ای مترتب است و فرد برای این که از پرداخت تعرفه فرار کند، به قاچاق آن روی می‌آورد، این اقدام اقتصاد سیاه است. در کنار این مفهوم، اصطلاح اقتصاد غیرقانونی هم مطرح است که شامل فعالیت‌هایی است که در اقتصاد ارزش افزوده ایجاد می‌کند؛ اما اصل فعالیت ممنوع است.

به بیان روشن‌تر کالایی تولید می‌شود، اما در قالب قوانین و مقررات کشور، تولید، توزیع و مصرف آن ممنوع است؛ همانند قاچاق مواد مخدر؛ قاچاق اسلحه؛ قاچاق سی‌دی‌های حامل مضامین فرهنگی غیرمجاز و....

تفاوت فاحش قیمت کالاها و وارداتی در دو طرف مرز ایران باعث گردیده است که عده‌ی کثیری از افراد، به وارد کردن مخفیانه‌ی (قاچاق) این گونه کالاها با هدف بهره‌مند شدن از تفاوت قیمت موجود روی آوردند. تداوم این مسائل طی دهه‌ی اخیر به بزرگ شدن بخش قاچاق کالا در ایران انجامیده است، تا جایی که برخی آمارهای غیررسمی، سهم قاچاق «اقتصاد زیرزمینی» را از اقتصاد ایران در حدود ۴۰ درصد کل مصرف داخلی تخمین می‌زنند. البته در صورت صحت این آمار، یقیناً چنین عدد بزرگی نمی‌تواند حاصل عملکرد چند قاچاقچی

مرزنشین باشد؛ بلکه مقادیر عظیمی از سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌بایست در بخش خدمات زیرزمینی اقتصاد ایران، فعال گردیده باشد.

اقتصاد زیرزمینی طی ۳۰ سال گذشته همواره بخشی جدانشدنی از اقتصاد ایران بوده است و در مقابل اقتصاد سالم و رسمی کشور، فضای عملیاتی خاصی را به خود اختصاص داده است.

اقتصاد از فرمول و قوانین معین و مشخص اصلی پیروی می‌کند؛ در صورتی که اقتصاد زیرزمینی به اقتضای ماهیت غیر شفاف، پنهانی و ناسالم خود، خویشتن را فارغ از این قواعد می‌پندارد.

هر گونه مبادرت به سرمایه‌گذاری در اقتصاد زیرزمینی می‌تواند در دراز مدت به عنوان یک ریسک و خطر، محسوب شود. به گفته‌ی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، گرچه امکان بهره‌برداری از سودهای کلان این شیوه‌ی سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت قابل تصور است، اما هیچ تضمینی برای این سود سرشار آن‌ها در دراز مدت را نمی‌توان متصور شد.

تعریف قاچاق

فعل و انفعالات و تحرکات مخفیانه و غیر قانونی‌ای که به صورت سازمان‌دهی شده و به دور از دیده‌ی نهاد های مجری قانون انجام می‌شود را می‌توان قاچاق محسوب کرد. شخص و یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق می‌نمایند، را قاچاقچی یا سوداگر می‌نامند. در علم اقتصاد به صورت مشخص، به ورود و خروج کالا که به صورت مخفیانه از مرزهای کشور وارد و یا خارج شود، قاچاق می‌گویند. به کالای اقتصادی‌ای که قاچاق می‌شود، را کالای قاچاق می‌نامند. قاچاق، قدمتی به اندازه‌ی حیات بشر دارد. صادرات و یا واردات کالاهای ممنوع و انحصاری، مثل انسان، مواد مخدر، زنان و کودکان، سوخت، نفت، گازوئیل، بنزین، اعضای بدن، دارو، ارز، اسلحه، خوابار، مشروبات الکلی و ده‌ها مورد دیگر، را می‌توان از مصادیق قاچاق نامید. دانشمندان علم اقتصاد، از پدیده‌ی قاچاق تحت عنوان اقتصاد پنهان نیز یاد کرده‌اند.

بر اساس محاسبات و تحقیقات انجام شده، قاچاق سالانه سه میلیارد دلار کالا، تولیدات صنعتی کشور را هشت درصد کاهش داده است و چنین افت تولیدی‌ای،

بیش از همه، اثرات نامطلوب خود را بر سطح اشتغال نمایان کرده است.

بنابر یک تحقیق در دانشگاه علامه طباطبایی به ازای هر ۱۵ تا ۳۰ دلار قاچاق کالا، یک شغل از دست می‌رود؛ در حالی که برای ایجاد هر شغل حدود ده هزار دلار سرمایه‌گذاری لازم است.

دکتر رسول میرحمیدی یکی از اقتصاددانان کشور با اشاره به حجم کالاهای قاچاق کشف شده می‌گوید: ارزش قاچاق دو تا چهار میلیارد دلار برآورد شده است.

عوامل موثر بر قاچاق کالا

برای فعالیت‌های تجاری به صورت قاچاق دلایل متعددی از جمله موارد ذیل را می‌توان نام برد:

پایین بودن ریسک قاچاق کالا؛ بالا بودن نرخ مالیت‌های گمرکی، سود بازرگانی، عوارض گمرکی و محدودیت‌های وارداتی؛

وجود نرخ‌های متعدد ارز؛ اختلاف قیمت‌ها در دو سوی مرزها؛ وجود مرزهای طولانی؛ تقاضای موثر برای جذب کالاهای خارجی در داخل کشور؛

وجود تبلیغات گسترده؛ گران و پیچیده بودن واردات رسمی؛ وجود انحصار در زمینه‌ی واردات و صادرات برای برخی از کالاها؛

وجود بوروکراسی اداری؛ موارد ارتشا یا همکاری در میان برخی از عوامل نیروی انتظامی در مرزها؛ همکاری برخی از عوامل گمرک با قاچاقچیان؛

عدم همکاری ادارات و ارگان‌های حکومتی با نیروی انتظامی؛ به کارگیری نیروی انسانی ناکارآمد از سوی نیروی انتظامی؛

نبود کنترل و نظارت دقیق بر توزیع کنندگان و فروشندگان کالا؛ مشکلات ساختاری بخش تولید که منجر به تولید کالا با کیفیت پایین و قیمت بالا شده است؛

محرومیت استان‌ها و شهرهای مرزی؛ چرخه‌ی بیکاری و فقر در نواحی مرزی؛

از بین رفتن کشاورزی به دلیل خشکسالی‌های اخیر و هجوم کشاورزان به تجارت کوله‌باری؛



که در داخل کشور بروز می کند، باید در مرزها جستجو نمود؛ زیرا ورود و خروج هرگونه اشخاص و کالاهای قاچاق، مواد مخدر و وسایل منکراتی که باعث اختلال در سیستم اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و بهداشتی می گردد، از طریق مرزها انجام می گیرد و اگر کنترل مطلوبی در مرزها انجام شود، نه تنها در مرز بلکه در داخل کشور نیز امنیت تامین خواهد شد. تامین امنیت ملی، فراتر از ابزارهای نظامی و قابلیت های جنگاورانه، نیازمند توجه به عوامل غیر نظامی نیز می باشد. حتی فراتر از رشد و توسعه اقتصادی، باید به فرایندهایی نظیر توسعه سیاسی، مشارکت مردمی، مشروعیت رژیم سیاسی، انسجام و یکپارچگی ملی و توسعه فرهنگی در تامین امنیت توجه داشت. به عبارت دیگر امنیت ملی محصول منطقی حضور تمامی مولفه های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و... می باشد.

بنابراین مهم ترین و اصلی ترین نقش مرز، همانا ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و افکار است، که تحت عنوان امنیت مرز هم خوانده می شود.

مفهوم ایجاد امنیت در مرز، جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قاعده در طول مرزهای یک کشور و کانالیزه نمودن تردد اشخاص و حمل و نقل با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه های مجاز مرزی می باشد.

وقتی از امنیت مرزها صحبت می شود، منظور: وجود ثبات در مرزها و نفوذ ناپذیری مرزها از حیث ورود کالای قاچاق،

مهم ترین و اصلی ترین نقش مرز، همانا ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و افکار است، که تحت عنوان امنیت مرز هم خوانده می شود

ایفاء نمایند، چنانچه تعیین آن ها براساس منافع سیاسی قدرت های بزرگ خارجی و بدون توجه به شرایط نژادی، زبانی، قومی، تاریخی و ساکنان انجام گردد، به شاخص عمده ای در ایجاد زمینه های بی ثباتی بدل خواهد شد.

مرزها کانون ارتباط ملت ها و دولت ها در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و غیره... بایکدیگرند. این ارتباط به صورت رسمی و غیر رسمی و در زمینه های مختلف برقرار می شود. ارتباط رسمی از طریق نقاط مرزی به نام گمرک و ارتباط غیر رسمی از همه ی رخنه ها و منافذ مرزی برقرار می شوند. پدیده ی قاچاق کالا و مسافر در ارتباط غیر رسمی جای دارد.

امروزه نیز خطوط مرزی، دارای نقش امنیتی و حفظ امنیت سرزمینی کشورها و همچنین منافع آنان با کارکردهای جدید هستند. ریشه های عمده ای از مشکلاتی را

پایین بودن سطح امنیت اقتصادی؛ ضعف قوانین و مقررات مبارزه با قاچاق؛ ضعف بخش خصوصی و دولتی بودن اقتصاد؛

موقعیت ایران در ارتباط با قاچاق کالا به جرأت می توان گفت که موقعیت جغرافیایی ایران در بین کشورهای آسیایی و حتی کل جهان یک موقعیت خاص و استثنایی است و شاید هیچ کشوری را نتوان یافت که این چنین از ناحیه ی کشورهای اطراف خود در معرض خطرات و آسیب های اجتماعی اقتصادی قرار داشته باشد. با وجود تدابیر و تلاش های فراوان دولت ها همجواری برای ایجاد محیط های امن مرزی و جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی کالاها به جمهوری اسلامی ایران؛ طی سال های گذشته و به ویژه در پی تحولات دو دهه ی اخیر در برخی از باندهای مخوف قاچاق کالا، آثار تاریخی و اشیای عتیقه و مواد مخدر در داخل کشور و ترانزیت غیرقانونی محموله های بزرگ و کوچک، لطمات زیادی را به وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور ما وارد کرده و دولت ایران از این بابت هزینه های هنگفتی را متحمل شده است. در این بین به طور طبیعی سازمان ها و ارگان های مستقر در نقاط مرزی از جمله گمرک، در معرض بیشترین رویارویی با مشکلات ناشی از این وضعیت قرار دارند. برای نمونه: در شمال شرقی کشور و در جای جای یک نوار مرزی طولانی، خطر ورود کاروان های مسلح مواد مخدر؛ در مرزهای شمال غربی و غرب کشور احتمال ورود برخی از کالاهای ممنوع و غیر شرعی؛ در مرز جنوب غربی ایران انبوه کالاهای قاچاق آماده ی ورود به ایران و مهاجرت های غیرقانونی؛ و در مرزهای شمالی کشور (در شرق و غرب دریای خزر) فعالیت دلالان و واسطه های سازمان دهی شده برای قاچاق سوخت از ایران، هم چنین وجود همین وضع در مرزهای جنوب شرقی ایران، همه و همه بر حساس و خطرناک بودن وضعیت محیطی کشورمان دلالت دارد.

مرزها

از جمله مؤثرترین ابزارهای جدایی و تعیین هویت سرزمینی دولت ها، مرزها می باشد. خطوط مرزی همان گونه که می توانند نقش بارزی را در یکپارچگی

جدول طول مرزهای ایران با همسایگان

کشور	طول مرز	نوع مرز	جمع علائم مرزی	آغاز - پایان
پاکستان	۹۷۸ کیلومتر	خشکی - رودخانه‌ای	۳۱۱	بندر گواتر - ملک سیاه کوه
افغانستان	۹۴۵ کیلومتر	خشکی - رودخانه‌ای	۱۹۹	ملک سیاه کوه - دهانه‌ی اردو
ترکمنستان	۱۲۰۵ کیلومتر	خشکی - رودخانه‌ای	۶۳۲	دهانه‌ی اردو - خلیج حسنقلی
آذربایجان	۷۵۹ کیلومتر	خشکی - رودخانه‌ای	۴۲۵	آستارا - دارکلان
ارمنستان	۴۸ کیلومتر	رودخانه‌ی ارس	۲۴	منطبق با رود ارس
ترکیه	۵۸۰ کیلومتر	خشکی - رودخانه‌ای	۵۵۷	دارکلان - دالامپرداغ
عراق	۱۶۰۹ کیلومتر	خشکی - رودخانه‌ای	-	دالامپرداغ - دهانه‌ی فاو
خلیج فارس و دریای عمان	۲۱۶۰ کیلومتر	دریایی	-	دهانه‌ی فاو - بندر گواتر
دریای خزر	۶۵۰ کیلومتر	دریایی	-	خلیج حسنقلی - آستارا

متغیرهای اثرگذار در ثبات یا عدم ثبات مرز نیز به حساب آورد. این گونه است که پدیده‌ی قاچاق را نمی‌توان صرفاً یک جریان منحرف کننده‌ی اقتصادی دانست؛ بلکه جنبه‌های امنیتی و اجتماعی این پدیده، در حاشیه‌ی مرزی بسیار نمایان‌تر و حائز اهمیت‌تر خواهد بود.

وسعت حاشیه‌ی مرزی کشور و اقوام مختلفی که در آن مستقر هستند، باعث شده ترددهای مرزی در بسیاری نقاط به سهولت انجام شود و معابر و منافذ متعددی در جدار مرز، به وجود آید. و از آنجایی که اساس قاچاق کالا با پنهان کاری و حاشیه‌گزینی عوامل قاچاقچی همراه است، بستر بسیار مناسبی برای سوءاستفاده‌ی گروه‌ها، جریان‌ها و سازمان‌های معاند و مخفی بوده و منفذی جهت ورود عناصر آن‌ها به سرزمین اصلی می‌باشد. متأسفانه در برخی از نقاط کشور، به دلیل سابقه‌ی تاریخی؛ ترددهای مرزی؛ اختلاط قومیت‌ها؛ عدم تدبیر در سامان‌دهی امور مرزنشینان که به اخلاص در مرزبانی و مرزداری منجر می‌شود؛ بی‌توجهی به معیشت و توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی

مطالعه‌ی دقیق عوامل مؤثر در مرزها نشان می‌دهد، متغیرهای فراوانی در این مسئله دخیل است. حوزه‌ای که با انواع جریان‌ات سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی، قومی و اقتصادی گره خورده است و جالب آن‌که این انبوه مسائل، باید در دو سوی مرزها و در دو کشور پیرامونی، به عنوان دو جریان مستقل ملاحظه گردیده و مرز را محل تلاقی آن‌ها دانست.

تداخل قومیت‌های مرزی؛ تحرکات گروهک‌های معاند در مرز که بعضاً مورد حمایت کشورهای هم‌جوار یا دول معاند خارجی هستند؛ عدم توانایی دولت‌های هم‌جوار در کنترل مؤثر مرزها؛ وجود مصادیق آشکار قاچاق و ترددهای غیر مجاز مرزی؛ و ...، برخی از چالش‌هایی است که می‌توان در خصوص کنترل مؤثر بر مرزها برشمرد.

این در حالی است که موضوع قاچاق کالا با مرز، نسبتی اساسی داشته است و بدون در نظر گرفتن مفهوم مرز، پذیرش پدیده‌ی قاچاق، امری بی‌معنا خواهد بود. بر این اساس، عوامل مؤثر بر پدیده‌ی قاچاق را می‌توان در بسیاری از موارد،

آسایش و ایمنی مرزنشینان، فقدان تهدید در مرزها و... است.

وجود ۸۷۵۵ کیلومتر مرزهای طولانی کشور با همسایگان، آمرزایی جنوب (۱۸۸۰ کیلومتر)؛ و مرزخاکی شرق (۱۷۱۶ کیلومتر)؛ و مرز غرب کشور (۱۸۲۴ کیلومتر)، کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها دشوار می‌سازد. در عین حال وجود این‌گونه مرزها استفاده از امکانات پیشرفته و تجهیزات مدرن را در گلوگاه‌های مرزی پرهزینه و ناممکن می‌کند. در چنین شرایطی با وجود این وسعت مرزی میان ایران و همسایگان، مخاطرات قاچاق کالا کاهش می‌یابد و جسارت برای قانون‌شکنی در عاملان قاچاق کالا افزایش پیدا می‌کند. از این رو، کنترل مؤثر بر مرزها را می‌توان، معیار توانمندی، نماد اقتدار و حیثیت حکومت‌ها به حساب آورد و بنابراین هرگونه تغییر و تحول در آن‌ها، از حساسیت فوق‌العاده برخوردار است.

موضوع مرز، همواره دارای ویژگی‌ها و چالش‌های متعدد و خاصی است که تحلیل پیرامون خود را دشوار می‌نماید.



کمیبود امکانات؛ متوسل شدن به شیوه‌های انتظامی؛ عدم تدبیر در اقدامات هوشمندانه در خصوص مبارزه با قاچاق در مناطق مرزی آلوده؛ و تسلط مرز نشینان به مناطق بیش از نیروهای مجری؛ و ...، سامان‌دهی و کنترل مرز را دشوار نموده است

ناپایداری جمعیت در مناطق مرزی تأثیرات عمیقی روی امنیت مناطق مرزی نیز می‌گذارد. ضعیف بودن احساس تعلق به زمین و سرزمین، پیامدهایی مانند: امکان سوء استفاده از جمعیت مرز نشین توسط دشمن؛ به کارگیری افرادی از آنان در عملیات خراب کارانه؛ عبور خراب کاران در پوشش‌های گوناگون؛ هم‌چنین عبور اسلحه و اطلاعات در بسیاری از مناطق را به دنبال می‌آورد.

۴ - تبادلات مرزی: تصویر فضاهای مناطق مرزی، حاکی از آن است که این فضاها به‌طور اصولی باز، پیوسته و محل مبادلات و تعامل فضایی بین دو کشور هم‌جوار و یا زنجیره‌ای از فضاهایی می‌باشند که با یکدیگر ارتباط و تعامل دارند؛ از این‌رو جریان مبادله‌ی کالا، نیروی انسانی، اطلاعات، کالا و ارز از طریق فضاهای مناطق مرزی بین کشورهای مختلف، امری طبیعی است و از ماهیت و

اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مسأله‌ی جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی نشأت می‌گیرد، پیامدهای نامطلوبی برای مناطق مرزی به همراه دارد. مهم‌ترین پیامدهای آن که از دوری از مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی، سرچشمه می‌گیرد، ضعف اطلاع مسئولان مرکز نشین از مشکلات مناطق دور از مرکز و عدم توجه به آن‌هاست. طولانی بودن مسیر رفت و برگشت، و عدم احساس امنیت قضایی و اجتماعی به دلیل طولانی شدن مسیر تصمیم‌گیری، همواره رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم را دشوار می‌سازد.

۲ - انزوای جغرافیایی: انطباق پدیده‌ی حاشیه‌ای بودن با دوری از مرکز در ایران اغلب به این دلیل است که مرزها در ایران و در بیش‌تر کشورهای مشابه، به‌طور تقریبی از نقاط جغرافیایی دور دست که دارای منابع کم‌تر اقتصادی و جمعیت پراکنده می‌باشند، عبور داده شده است. همین امر باعث گردیده در فرایندهای بعدی توسعه‌ی آن مناطق، به دلیل کم‌توجهی و عدم صرفه اقتصادی در بهره‌برداری از منابع محدود، آن‌ها از دیگر مناطق عقب‌تر بمانند.

۳ - ناپایداری سکونت: ناپایداری سکونت در مرزها عبارت‌اند از:

۱-۳ - توسعه‌نیافتگی و حاشیه‌ای بودن: در شرایطی که مرزها محل ناآرامی‌های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد، جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل‌های امن‌تری کوچ می‌کند و بار دیگر تراکم جمعیت در مناطق مرزی کم‌تر و ناپایداری جمعیت بیش‌تر می‌گردد. این پدیده در فرایند توسعه و امنیت مناطق مرزی تأثیر منفی می‌گذارد. این پدیده در مرزهای ایران در مناطق مرزی غرب شوش، دشت آزادگان و شمال آبادان، هم‌چنین به شدت در مرز مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان مشهود است.

۲-۳ - رونق مبادلات اقتصادی: به دلیل تفاوت سطح توسعه‌ی اقتصادی، فناوری، تولید صنعتی و کشاورزی در دو سوی مرز، مناطق مرزی دو کشور محل مبادلات اقتصادی، فناوری و انواع تولیدات کالا و خدمات بین دو کشور است و به این دلیل، جمعیت مناطق مرزی ناپایدار و سیال می‌شود. این پدیده، افزون بر

آن‌ها؛ و عواملی از این دست، ترددهای غیر مجاز در مرز را به امری روزمره و عادی تبدیل کرده و متأسفانه با گذشت زمان، مسئولان منطقه‌ای را بر آن داشته است تا به دلایل مختلف، از سامان‌دهی این وضعیت شانه خالی کرده، و یا در برخی نقاط مثل: کردستان و هرمزگان و ...، به واسطه‌ی گسترش این معضل، تنها در فکر مدیریت وضعیت فعلی باشند که این امر نیز در گسترش روزافزون قاچاق از مرزها، و آمیخته شدن آن با زندگی مرز نشینان، هم‌چنین بر هم خوردن نظم و انضباط مرز، نقش به‌سزایی دارد.

از طرفی کمیبود امکانات؛ متوسل شدن به شیوه‌های انتظامی؛ عدم تدبیر در اقدامات هوشمندانه در خصوص مبارزه با قاچاق در مناطق مرزی آلوده؛ و تسلط مرز نشینان به مناطق بیش از نیروهای مجری؛ و ...، سامان‌دهی و کنترل مرز را دشوار نموده است و این موارد، تنها گوشه‌ای از واقعیت‌های موجود در مرز و مسائل این حوزه می‌باشد.

این در حالی است که دولت‌های همسایه نیز، که بعضاً زیر نفوذ جریان‌های بین‌المللی و مافیای قاچاق هستند، از ترددهای مرزی جلوگیری جدی به عمل نمی‌آورند و یا توان و اعتقادی به کنترل مرز ندارند. که در این وضعیت، بهره‌گیری از پتانسیل‌های دیپلماتیک و تفاهم‌نامه‌های منطقه‌ای؛ در تعدیل اوضاع؛ بهبود شرایط؛ مسئولیت‌پذیری دولت‌های همسایه؛ و هم‌یاری ارگان‌های بین‌المللی، مؤثر خواهد بود. آنچه مسلم است باید مسائل مرزی کشورهای هم‌جوار و مسائل مربوط به جریان‌های بین‌المللی را جزو واقعیت‌هایی دانست که امکان تغییر و تأثیر در آن‌ها یا ناممکن و یا بسیار سخت خواهد بود. این دسته از عناوین، عموماً در حوزه‌ی تهدیدها قرار گرفته و همیشه باید خطرات ناشی از آن‌ها مورد توجه باشد. رصد و نظارت دقیق بر تحرکات و تحولات در نقاط پیش از مبادی، نقطه‌ی قوت در آمادگی، به منظر رویارویی با وضعیت‌های متفاوت تهدیدها می‌باشد و بنا به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد مدیریت کنترل و نظارت بر مرزها امری حیاتی باشد.

ویژگی‌های مناطق مرزی

این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱ - دوری از مرکز: یکی از ویژگی‌های

تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و درآمد، مهم‌ترین عاملی است که بیش‌تر استان‌های مرزنشین گرفتار آن‌اند

نه تنها در غرب کشور بلکه سال‌هاست که در شهرهای جنوبی، شرقی و حتی شمالی کشور وجود داشته است و دلایل آن عمدتاً آن است که ساکنان مرزی اغلب افرادی هستند که زمینه‌های مساعد برای اشتغال پیدا نکرده‌اند. این واقعیت را باید در نظر داشت که وقتی برنامه‌ای مناسب برای کارآفرینی وجود ندارد، مردم مجبور خواهند بود برای گذران زندگی و تأمین معیشت خانواده به کارهای کاذب بپردازند.

تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و درآمد، مهم‌ترین عاملی است که بیش‌تر استان‌های مرزنشین گرفتار آن‌اند که پیامدهایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد. در این میان بی‌توجهی مرکز نسبت به پیرامون، دامنه‌ی این مسائل را هرچه گسترده‌تر کرده است. چنین امری ساکنان این مناطق را وا دار می‌کند تا شیوه‌های کسب و کار و بهره‌گیری از موقعیت مرزی خود را متنوع سازند و در برابر فشارهای رسمی، راه‌های جدیدی را بیازمایند.

در سال‌های اخیر حجم کالاهای خارجی در اکثر شهرهای کشور به حد قابل توجهی افزایش یافته است که بخش عمده‌ای از این کالاها به صورت قاچاقی وارد کشور می‌شوند. در این میان غرب کشور و شهرهای کردنشین این منطقه بیش‌تر به این کار اشتغال دارند. در تمام این سالها توجه چندانی به اهمیت موقعیت جغرافیایی و شرایط مناسب این منطقه برای کشاورزی و دام‌پروری، هم‌چنین سرمایه‌گذاری برای تأسیس کارخانه و کارگاه‌هایی نشده است که توان جذب نیروهای بالقوه‌ی منطقه را داشته باشد. از سوی دیگر محرومیت‌ها در این مناطق هم‌چنان مشاهده می‌شود، به ویژه مردم کردزبان منطقه بیش‌تر مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و هنوز فضای بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به آن‌ها وجود دارد. مردم این مناطق به دلیل نبود امکان کاری مجبورند از راه‌های غیرقانونی دست به تجارتی بزنند که نه تنها برایشان سود بسیار کمی دارند بلکه آنان سینه‌ی خود را سپر گلوله کرده و حتی ممکن است جان خود را نیز در این میان از دست بدهند. آنان برای نیازهای اولیه‌ی زندگی و پیدا کردن کار، هم‌چنین داشتن درآمد، از روی اجبار اقدام به وارد کردن کالاهایی از راه قاچاق می‌کنند.

خنثی می‌سازد. افزون بر این، در مناطق مرزی آلوده به قاچاق مواد مخدر و اسلحه و کالا، هرگونه سرمایه‌گذاری که به شکل تزریق پول نقد توسط دولت یا بخش خصوصی صورت می‌پذیرد، ممکن است در کار قاچاق مواد مخدر، اسلحه و کالا مورد استفاده قرار گیرد و نتایج منفی‌ای بر امنیت و دفاع آن مناطق بگذارد.

ویژگی‌های مرز مشترک ایران با کشورهای هم‌جوار باعث بروز مسائل و مشکلات فراوان و متنوعی شده است که عمده‌ترین آن‌ها به صورت عوامل تهدیدزای توسعه و امنیت این مناطق عبارت‌اند از:

۱- فقر و محرومیت شدید مردم مرزنشین که زمینه‌های نامنی و آلودگی به قاچاق را فراهم می‌سازد؛

۲- تحمیل هزینه‌های سنگین در ایجاد امنیت مناطق مرزی همراه با بروز مشکلات اجرایی و تلفات جانی، هم‌چنین کاهش قدرت کنترل امنیت این مناطق؛

۳- پخش نامنی از طریق مهاجران غیرقانونی، پناهندگان، قاچاقچیان مواد مخدر، اشرار و گروه‌های معاند؛

۴- به وجود آمدن شکاف‌های اجتماعی و تبعیضات قومی- فرهنگی در برخی از این مناطق؛

۵- فقدان نظام تصمیم‌گیری منسجم، هماهنگ و کارآمد در مناطق مرزی که باعث بروز مشکلات زیادی در توسعه و دفاع این مناطق شده است.

پدیده‌ای به نام قاچاق در مناطق مرزی کشور

در نواحی مرزی کشور نوعی داد و ستد غیر قانونی کالا صورت می‌گیرد که از آن به قاچاق تعبیر می‌شود. این مساله

ویژگی‌های مناطق مرزی نشأت می‌گیرد. از این رو، هرگونه اقدامی در خلاف این ویژگی از جمله انسداد فیزیکی مرزها- به تنهایی- نه تنها ضد ویژگی طبیعی مناطق مرزی بلکه امری مشکل، ناکافی و اغلب امکان‌ناپذیر است.

۵- تفاوت‌های فرهنگی: یکی از ویژگی‌های نسبتاً عمومی و جهان‌شمول مناطق مرزی، داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی است. این پدیده، ناشی از قانون تراوش یا نشر و انتشار بین مناطق جغرافیایی مجاور است. بر اساس این قانون، مقداری از جمعیت یک منطقه به مناطق مجاور مهاجرت کرده و ویژگی‌های خود را به آن سوی مرز می‌برند. این پدیده با مرور زمان باعث تشکیل گروه‌های قومی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی می‌گردد که در نهایت با ویژگی‌های قومی، اجتماعی و فرهنگی جمعیت آن سوی مرز مشابه‌اند؛ ولی با ویژگی‌های جمعیت مرکز کشور متفاوت‌اند. مهم‌ترین مسأله‌ی تنوع قومی- فرهنگی در مناطق مرزی که تأثیرات مستقیمی بر روند و برنامه‌های توسعه و امنیت در آن مناطق می‌گذارد، مسأله‌ی واگرایی و هم‌گرایی قومی- فرهنگی این گروه‌های اجتماعی مرزنشین با دولت مرکزی است.

۶- تهدیدات خارجی: مرز، حد فاصل درون با بیرون، و امنیت و دفاع درونی با تهدید و ناامنی خارجی را با خود دارد. بدین دلیل، مسأله‌ی تهدیدات خارجی در خصوص مناطق مرزی یک واقعیت و یک ویژگی ذاتی است. در مقابل، مسأله‌ی دفاع و حفظ امنیت نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و برجسته‌ای است که مناطق مرزی باید داشته باشند.

از طرف دیگر در مناطق مرزی مجاور مانند افغانستان، به‌دلیل رواج قاچاق مواد مخدر و کالا، درآمد حاصل از مشاغل مربوط به مواد مخدر و قاچاق کالا، بیش‌تر از درآمد حاصل از فعالیت‌های مجاز و قانونی مانند کشاورزی، کارگری و خدماتی در آن مناطق است. از این رو ملاحظه می‌گردد، تولید کشاورزی و دام‌داری در آن مناطق، مقرون به صرفه نیست و رو به فروپاشی است. این پدیده در مناطق مرزی به‌تدریج گسترش می‌یابد و در نهایت هرگونه فعالیت مولد و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در آن مناطق را مورد تهدید قرار می‌دهد و نتایج آن را



تاریخ خود از نظر نا آرامی‌های داخلی کارنامه‌ی سفیدی نداشته‌اند؛ برای نمونه قیام علیه حکومت‌های مرکزی، هم‌چنین موقعیت راهبردی و مرزی بودن اغلب شهرهای مناطق مرزی، به مکانی برای رفت و آمد نیروهای نظامی تبدیل شده است.

چنین موردی نا آرامی‌های داخلی را به وجود آورده و باعث شده است که از یک سو سرمایه‌داران این مناطق به خارج از استان سکونتشان و حتی کشور رانده و شوند؛ چون آنان به این نتیجه رسیده‌اند که در چنین زمینه‌ی نا آرامی، نمی‌توان سرمایه‌گذاری کرد و به ایجاد کارخانه و صنعت دست زد. از سوی دیگر هم‌چنان که ذکر گردید، دولت‌های حاکم، این مناطق را ناامن تلقی کرده و در آن‌جا به سرمایه‌گذاری نمی‌پردازند. عامل عدم سرمایه‌گذاری، منجر به عدم توسعه‌نیافتگی منطقه می‌شود. توسعه‌نیافتگی به دنبال خود فقر، محرومیت، بی‌کاری، عدم اشتغال و قاچاق را به دنبال دارد. این‌ها هم به نوبه‌ی خود هم‌چنان که در بالا به آن اشاره شد، منجر به شورش و ناامنی در منطقه و در نهایت شورش و طغیان علیه نظام حاکم خواهد شد.

علل و انگیزه‌ی قاچاق کالا در نواحی مرزی به عقیده‌ی کارشناسان نظامی و اقتصادی، وجود مرزهای طولانی زمینی

انتظامی در مرز، در حال فرار با کالای قاچاق، کشته می‌شوند.

۲) وارد کردن بعضی از کالاها از جمله مشروبات الکلی، وسایل ویدیویی و... باعث می‌شود که بسیاری از افراد ساکن از جمله اقشار نوجوان، جوان و میان‌سال به آسانی به این کالاها دسترسی داشته باشند و در معرض آسیب قرار گیرند.

۳) وارد کردن کالاها قاچاق بدون کنترل و نظم گمرکی به اقتصاد استان‌های مرزی کشور لطمه و آسیب فراوانی وارد می‌کند.

هم‌چنین در مرز شرقی کشور نیز به دلایلی از جمله بروز خشک‌سالی‌های اخیر؛ تحولات سیاسی افغانستان در دهه‌ی اخیر؛ مهاجرت گسترده و وسیع افغان‌ها و مشارکت آنان در قاچاق کالا در نوار مرزی؛ مشکلات پیش آمده برای کشاورزان و دامداران منطقه؛ کم شدن درآمدهای حاصل از فعالیت‌های بخش کشاورزی و گرایش و اشتغال بخشی از سکنه و به ویژه جوانان روستایی در قاچاق کالا؛ از میان رفتن قباحت اجتماعی و فرهنگی، همه و همه دست در دست هم داده‌اند تا فعالیت و اشتغال در قاچاق کالا در نظر مردم ساکن مناطق مرزی، رونق بیابد.

یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌کاری و اقتصاد نابسامان مناطق مرزی را می‌توان در ناامنی این مناطق، از دیدگاه دولت مرکزی تلقی کرد. مناطق مرزی در طول

مردم مناطق غرب کشور، به علت سال‌های جنگ و نزدیک بودن به مرزها، تبعیض‌ها و محرومیت‌های زیادی را تجربه کرده‌اند. در این منطقه، اکثر خانواده‌ها از اقشار محرومی هستند که هیچ‌گونه امکانات مناسبی برای اشتغال ندارند. موقعیت مرزی و جغرافیایی این مناطق سبب شده است که از دیرباز علاوه بر مبادلات رسمی و قانونی، مبادلات غیر رسمی و پنهانی در حجم وسیعی از این مناطق انجام پذیرد. هر چند برآورد حجم مبادلات غیررسمی به آسانی امکان‌پذیر نیست، اما بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی انسانی به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های اشتغال، به این‌گونه فعالیت‌های مبادلاتی مشغول هستند.

دلایل وجود این پدیده‌ی شوم در مناطق مرزی را نمی‌توان بر عهده‌ی ساکنان این مناطق گذاشت و مرزنشینان اغلب به عنوان متهمان بی‌گناه خود قربانی این پدیده هستند. از دلایل وجود این معضل اجتماعی می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد:

داشتن مرز نسبتاً طولانی با کردستان عراق که این امر امکان رفت و آمد به آن سوی مرز را آسان کرده است؛ از طرف دیگر، وجود نسبی امنیت در شمال عراق باعث شده است که مناسبات غیررسمی بین دو منطقه رواج گسترده‌ای پیدا کند، و به اشکالی از تبادل کالا دامن بزند که در چارچوب اقتصاد رسمی کشور نمی‌گنجد، وجود راه‌های زمینی فراوان نیز باعث گسترش این پدیده شده است. در کنار این بستر مناسب می‌توان به نبود شرایط و امکانات برای اشتغال‌زایی اقشار مختلف مردم نیز اشاره کرد.

نبود کارخانجات و مراکز صنعتی در شهرها و مناطق مرزی، موجب شده است که ساکنان این شهرها نتوانند شغل مناسبی داشته باشند. این عامل همراه با موقعیت این شهرها یعنی واقع شدن در مرز، موجب شده است که بسیاری از ساکنین این شهرها به وارد کردن کالاها قاچاق بپردازند. این شغل که حتی در میان قشر جوان و نوجوان طرف‌داران زیادی پیدا کرده است از سه جهت امنیت اجتماعی در این مناطق را به هم ریخته است :

۱) بعضی از افرادی که به این کار مشغول‌اند به علت درگیری با نیروهای

و دریایی؛ فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب و قانونی؛ بی‌کاری جوانان ساکن در مناطق مرزی؛ نبود فعالیت‌های مولد در این مناطق؛ تفاوت قیمت کالاها در دو سوی مرز؛ و... در پیدایش و گسترش پدیده‌ی قاچاق کالا موثر می‌باشند. از مهم‌ترین این عوامل در مناطق مرزی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) علل و انگیزه‌های بومی: جمعیت زیاد و عدم پاسخ‌گویی توانمندی‌های بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان؛ جوان بودن اکثریت جمعیت، بیکاری زیاد، و رشد روزافزون آن؛ فقر و محرومیت اهالی این مناطق و عدم وجود صنایع مولد و اشتغال‌زا؛ امکان تردهای سهل و بدون مانع؛ وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنان دو طرف مرز.

ب) علل و انگیزه‌های منطقه‌ای: اختلاف قیمت قابل توجه برخی اقلام در بازارهای دو کشور همسایه؛ اختلاف فاحش نرخ ارز و نوسانات زیاد آن؛ کمبود کالاهای ضروری و قابل مصرف عامه؛ پیچیدگی مقررات و قوانین گمرکی، و مشکلات عوارضی و تعرفه‌ای.

ج) انگیزه‌های حاشیه‌ای: دسترسی به سود سهل‌الوصول افزایشی؛

کاهش هزینه‌های ورود و خروج؛ فرار از حقوق گمرکی و مالیاتی.

مدیریت کنترل در مرزهای کشور

در مدیریت کنترل مرزهای خشکی کشور و الگوی تامین امنیت مرزها، به چگونگی بهره‌گیری از راهکارها و شیوه‌های مختلف برای حفظ و تامین امنیت مرزی، اشاره می‌گردد؛ به طوری که این فعالیت‌ها به عنوان راهبرد اصلی اداره‌ی مرزها تبدیل می‌شود. با توجه به این که کنترل کامل مرزها، به عنوان راهبرد جاری مرزهای کشور قلمداد می‌شود، همه‌ی سازمان‌های عامل در مرزها، از جمله هیأت محترم دولت و در راس آن‌ها نیروی انتظامی، طرح انسداد مرز را دنبال می‌کنند. انسداد مرزها با دو سیستم سنتی مبتنی بر ایجاد موانع فیزیکی بر سر راه تردد و همچنین سیستم‌های پیشرفته

و مدرن همچون تجهیزات الکترونیکی و راداری و... همه‌ی نقاط مرز را کنترل و مراقبت می‌کند. برای اجرای طرح انسداد مرز، شناخت دقیق و کامل از مرز، مناطق مرزی، مناسبات میان دولت‌های همسایه و... ضروری است.

در این نوع مدیریت، با توجه به نگرش راهبردی به مرزها، بیش‌تر کنترل و اداره مرزها و مناطق مرزی در اختیار و تسلط نیروها و دستگاه‌های نظامی و انتظامی قرار دارد.

بحث انسداد مرز زمانی برای کنترل مرزها و اداره‌ی آن ارجحیت می‌یابد که فضای تهدید چه در محیط‌های پیرامونی و چه در فضای داخلی نسبت به مرزها در کشور حاکم گردیده و کنترل‌ها و راهکارهای معمولی جواب‌گویی این تهدیدهای بالفعل و بالقوه نباشد. در آن صورت کنترل و انسداد کامل مرزها به عنوان راهبرد جاری کشور قلمداد می‌شود. البته نباید از نظر دور داشت که در بیش‌تر مواقع ممکن است که خود این شیوه‌ی مدیریتی، باعث افزایش تهدیدها شده و سبب پایداری و سیکل ناامنی و تهدید در مناطق مرزی گردد. انسداد مرزها نیز با دو سیستم و راهکار سنتی و مدرن، انجام می‌گیرد:

الف) راهکارهای سنتی و کلاسیک انسداد مرزی:

حفر کانال؛ انسداد دهانه‌های مرزی؛ نصب سیم خاردار؛ ایجاد خاک ریز؛ ایجاد دیوارهای بتون آرمه؛ ایجاد پاسگاه‌ها و برجک‌های مرزی؛ احداث راه‌های مرزی؛ تقویت نیروهای مرزبانی و مرزدار؛ تشکیل هنگ‌های مرزی؛ و طرح منطقه ممنوع در حاشیه‌ی مرزها.

ب) راهکارهای مدرن انسداد مرزی

- استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی SIG و TI؛

- استفاده از سنجنده‌های فضایی در تهیه‌ی اطلاعات مرزی (تصاویر ماهواره‌ای و...)
- شنودهای رادیویی؛
- استفاده از سنجنده‌های زمینی مانند رادارهای زمینی و استراق سمع؛
- دیده‌بانی از طریق سنجنده‌های فضایی و وسایل الکترونیکی؛
- گزارش‌های کارشناسانه و پیش‌بینی

های فنی؛

- سیستم‌های تشخیص بیومتریک.

فرض این مسئله نیز محتمل است که اگر اقداماتی چون: تجهیز و تکمیل امکانات فنی کنترل مرز؛ رفع مشکلات معیشتی پرسنل دخیل در امر مبارزه و کنترل؛ ایجاد اشتغال پایدار برای مرزنشینان؛ گسترش و تعمیق فعالیت‌های فرهنگ‌سازی در جهت تغییر عادت‌ها و باورهای مرزنشینان؛ کنترل و اشرافیت دقیق اطلاعاتی از پیش از مبادی؛ فعال‌سازی نظام دیپلماسی؛ برخورد جدی با مظاهر آشکار قاچاق؛ و... هم به طور عادی و هم بدون صرف انرژی و توان ویژه، و هم به صورت روزمره انجام گردد، تجربیاتی که در سنوات گذشته در خصوص کنترل مؤثر مرزها، به دست آمده کم‌رنگ می‌شود و اهداف اساسی این اقدامات بی‌اثر می‌گردد. از طرفی باید توجه شود که در کلیه‌ی اقدامات پیرامون مبارزه با قاچاق در مرز، مسئله‌ی صرفه و صلاح ملی و منطقه‌ای و هم‌چنین تأثیرات اقدامات در حوزه‌های دیگر، مدنظر باشد.

متأسفانه در برخی از نقاط کشور، به دلیل سابقه‌ی تاریخی تردهای مرزی؛ اختلاط قومیت‌ها؛ عدم تدبیر در سامان‌دهی امور مرزنشینان که به اخلاص در مرزبانی و مرزدار می‌شود؛ بی‌توجهی به معیشت و توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی آن‌ها و عواملی از این دست، تردهای غیر مجاز در مرز را به امری روزمره و عادی تبدیل کرده و متأسفانه با گذشت زمان، مسئولان منطقه‌ای را بر آن داشته تا به دلایل مختلف، از سامان‌دهی این وضعیت شانه خالی کرده، و یا در برخی نقاط مثل: کردستان و هرمزگان و... به واسطه‌ی گسترش این معضل، تنها در فکر مدیریت وضعیت فعلی باشند که این امر نیز در گسترش روزافزون قاچاق از مرزها و آمیخته شدن آن با زندگی مرزنشینان و برهم خوردن نظم و انضباط مرز، نقش به‌سزایی دارد.

هم‌چنین کمبود امکانات؛ متوسل شدن به شیوه‌های انتظامی و عدم تدبیر در اقدامات هوشمندانه در خصوص مبارزه با قاچاق در مناطق مرزی آلوده؛ و تسلط مرزنشینان به مناطق، بیش از نیروهای مجری و... سامان‌دهی و کنترل مرز را دشوار نموده است و این موارد، تنها گوشه‌ای از واقعیت‌های موجود در مرز و مسائل این حوزه می‌باشد.

- کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی؛ و تقویت هویت ملی آن‌ها؛
 - استفاده از امکانات موجود در منطقه و مشارکت دادن اهالی مرزنشین در برنامه‌های اداره‌ی مرکزی؛
 - برقراری روابط مسالمت آمیز با کشورهای پیرامونی و گسترش مودت میان مرزنشینان دو طرف؛
 - ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور؛
 - گسترش امنیت اجتماعی و فرهنگی در نواحی مرزی با استفاده از کارکردهای محیطی و کاهش هزینه‌های نظامی و انتظامی در ایجاد امنیت
 - اصلاح قوانین گمرکی؛
 - کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشورهای هم‌جوار به منظور سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه؛
 - آموزش و ارتقای آگاهی کارکنان در مورد شگردهای قاچاق کالا از مجاری رسمی؛
 - شناسایی باندهای اصلی قاچاق کالا و نیز مقابله با پدیده‌ی چتربازی یا اسیربری توسط این باندها؛
 - بازدیدهای مرتب از اسکله‌های غیر رسمی توسط مسئولان مبارزه با قاچاق استان‌های مرزی؛
 - نوسازی در گمرک و روش‌های ارزیابی کالا و استفاده از روش‌های نوین در ارزیابی کالا؛
 - حمایت از تولیدات داخلی به صورت هدفمند؛
 - مشارکت همه‌جانبه‌ی نهادهای مردمی در امر مبادلات تجاری؛
 - ایجاد بازارچه‌های مرزی و سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی به ویژه در نواحی روستایی و کرانه‌ای؛
 - اعطا نمودن امتیازهایی برای مرزنشینان که باعث می‌شود تا آن‌ها در جهت یاری مرزبانان برای حفظ و حراست از مرزها تلاش بیش‌تری داشته باشند؛
 - اصلاح قوانین و مقررات در مورد قاچاق، و شفاف شدن قوانین تجاری؛
 - ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور تحقق برنامه‌های سند چشم‌انداز در افق‌های مشخص شده.

منابع در دفتر نشریه موجود است

مرزی، برقرار و ریسک قاچاق را افزایش دهد.

بهره‌مندی حداکثری از فرصت‌ها و امکانات مرزی است که بر اساس آن سبب توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و به ویژه مناطق مرزی می‌شود و به پیروی آن بسیاری از عوامل تهدید از بین می‌رود. شرایط و موقعیت جغرافیایی، ارتباطی و ژئوپلیتیکی ایران به طور بالقوه منابع و امکانات نامحدودی را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی و امنیتی قرار داده که در صورت بهره‌مندی و فعلیت رساندن آنها نه تنها مناطق مرزی بلکه محیط‌های داخلی نیز از این امکانات بهره‌مند می‌گردند.
 توجه به این مطلب، قرار دادن مرزها و مناطق مرزی در حصار امنیتی و حفاظت و کنترل شدید نظامی، باعث از بین رفتن فرصت‌ها و نابودی یا عدم استفاده از امکانات و ظرفیت‌های بالقوه می‌شود.

پیشنهادها و راه‌حل‌ها

بر این اساس، مدیریتی که در اداره‌ی مطلوب مرزها و مناطق مرزی می‌توان اعمال کرد به شرح زیر می‌گردد:
 - فعالیت و گسترش حضور وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های غیر نظامی در فرایند مدیریتی مرز؛
 - استفاده از امکانات محلی و مشارکت دادن اهالی در کنترل و اداره‌ی مرزها؛
 - اجرای طرح آمایش سرزمین در مناطق مرزی؛
 - اجرای طرح آمایشی دفاعی مناطق مرزی کشور در راستای برقراری و پیونددهی میان توسعه و امر دفاع؛
 - اجرای طرح احیا و توسعه‌ی مناطق محروم و اسکان مرزی؛
 - گسترش ارتباطات و شبکه‌ی زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی؛
 - خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا؛
 - ایجاد ارتباط و پیوند توسعه در نواحی مرزی با توسعه ملی؛
 - نظام‌مند کردن مبادلات تجاری در مناطق مرزی؛
 - گسترش معابر و گلوگاه‌های تجاری و ارتباطی به طور رسمی در مناطق مرزی؛
 - ایجاد جو اعتماد نسبی مرزنشینان به حکومت مرکزی؛

این در حالی است که دولت‌های همسایه نیز، که بعضاً زیر نفوذ جریان‌های بین‌المللی و مافیای قاچاق هستند، از تردهای مرزی ممانعت جدی به عمل نمی‌آورند و یا توان و اعتقادی به کنترل مرز ندارند که در این وضعیت، بهره‌گیری از پتانسیل‌های دیپلماتیک و تفاهم‌نامه‌های منطقه‌ای، در تعدیل اوضاع و بهبود شرایط و مسئولیت‌پذیری دولت‌های همسایه و هم‌یاری ارگان‌های بین‌المللی، مؤثر خواهد بود. آنچه مسلم است باید مسائل مرزی کشورهای هم‌جوار و مسائل مربوط به جریان‌های بین‌المللی را جزو واقعیت‌هایی دانست که امکان تغییر و تأثیر در آن‌ها یا ناممکن و یا بسیار سخت خواهد بود. این دسته از عناوین، عموماً در حوزه‌ی تهدیدات قرار گرفته و همیشه باید خطرات ناشی از آن‌ها مورد توجه باشد. رصد و نظارت دقیق بر تحرکات و تحولات از پیش از مبادی، نقطه‌ی قوت در آمادگی برای مواجهه با وضعیت‌های متفاوت تهدیدات می‌باشد و بنا به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد کنترل و نظارت بر مرزها امری حیاتی می‌باشد.

پس اگر انسداد مرزی فقط با اقدامات امنیتی و انتظامی صورت گیرد، با توجه به شرایط اقتصادی آن سوی مرزها، فقط باعث رونق و یا کساد قاچاق در مقطع زمانی مختلف می‌گردد.

بنابراین ضروری است که موضوع کنترل مؤثر بر مرزها در امر مبارزه با قاچاق، با نگاهی جامع، هوشمندانه و دقیق در نظر گرفته شود و تفهیم اهمیت آن برای مؤثران این حوزه و با هدایت مدبرانه به منظور مسئولیت‌پذیری جدی دستگاه‌های دخیل و هم‌چنین جلب حمایت‌های مادی و معنوی، به عنوان یک راهبرد اساسی مدنظر قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

آنچه مسلم است، تأکید بر فرایندهای انتظامی با محور انسداد مرز و یا اقداماتی که منجر به تقابل نظام و مرزنشینان می‌گردد، نه تنها در جهت کنترل مؤثر بر مرز راه‌گشا نخواهد بود، بلکه بر خلاف صرفه و صلاح نیز هست. بنابراین به نظر می‌رسد، کنترل مؤثر مرز، باید با بهره‌گیری از توان‌ها و روش‌هایی صورت پذیرد که با کم‌ترین آسیب، بیش‌ترین اشرافیت و تأثیر را حاصل نموده و انضباط پایدار در نوار